



دولت و توسعه در تایوان

دکتر رضا شیرزادی*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۵/۲۲ و تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۸/۳۰)

چکیده

یکی از راه‌های شناخت راهبردهای توسعه و پیشرفت، بررسی موارد و تجربه‌های عملی، به ویژه نمونه‌های موفق آن می‌باشد. در میان کشورها و مناطق مختلف دنیا، شرق آسیا الگویی موفق از تلاش برای نوسازی و توسعه را به نمایش گذاشته است. از این میان، باید از کشور تایوان نام برد که با قریب چهار دهه تلاش توانسته به وضعیت توسعه یافتگی برسد و خود را در زمره کشورهای درجه اول جهان قرار دهد. مقاله حاضر به بررسی این تجربه، با تاکید بر نقش دولت در فرآیند گذار به وضعیت مدرن می‌پردازد.

کلید واژگان

توسعه، توسعه اقتصادی، دولت، تایوان، شرق آسیا.

مقدمه

دوره پس از جنگ جهانی دوم، به عنوان دوره تلاش برای دستیابی به نوسازی و توسعه در کشور

* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، گروه علوم سیاسی، کرج، ایران.

های توسعه نیافته، شناخته شده است. کشورهای آسیایی، آفریقایی، و آمریکای لاتین هر یک با توجه به نیاز جامعه و نیز به فراخور درک و دریافت خود از نوسازی و پیشرفت، با اتکاء به راهبردهای گوناگون، مبادرت به نوسازی و اقدام برای توسعه ملی کردند. در آن میان، کشورهای شرق آسیا و از جمله تایوان شهرت یافتند و کامیابی های چشمگیری به دست آوردند. اینان به سرعت، فاصله خود را از کشورهای پیشرفته صنعتی کم کردند و تا دهه ۱۹۹۰ به قطب های اقتصادی عمده در شرق آسیا تبدیل شدند، به گونه ای که تولیدات صنعتی آنها، بسیاری از بازارهای مناطق مختلف را تسخیر کرد. پژوهش حاضر به بررسی علل، و کم و کیف تحول اقتصادی در تایوان و نیز نقش و جایگاه دولت در آن، می پردازد.

اهمیت پژوهش حاضر در آن است که تجربه توسعه در این کشورها و نیز میزان مداخله و هدایتگری دولت را در این فرآیند، مورد بررسی قرار می دهد. همچنین، پشتوانه ای نظری از این تجربه موفق، استحصال می شود که می تواند در روند برنامه ریزی هر کشور دیگری (از جمله ایران) مورد بهره برداری قرار گیرد. پرسش اصلی مقاله حاضر این است که دولت چه نقشی در فرآیند توسعه تایوان ایفا کرده است؟ به نظر می رسد در این کشور دولت بر اساس نظریه خودگردانی متکی بر جامعه و با برخورداری از دیوانسالاری کارآمد، به عنوان هدایتگر برنامه های توسعه مداخله کرده، و به موفقیت فرآیند توسعه کمک نموده است. این پژوهش با استفاده از روش نظری - تحلیلی با بهره برداری از منابع کتابخانه ای و اسناد مختلف به گردآوری داده های مورد نیاز پرداخته و سپس آنها را مورد دسته بندی، تجزیه و تحلیل قرار داده است.

۱. ویژگی های عمومی

کشور تایوان جزیره ای کوچک و نیمه گرمسیری در شرق آسیا است که در ۱۵۰ کیلومتری سرزمین اصلی چین (جنوب شرقی آن) قرار دارد. این کشور در آب های غربی اقیانوس آرام واقع است و یکی از چندین جزیره آتشفشانی کشور چین می باشد. حدود ۳۶ هزار کیلومتر مساحت دارد و از این نظر، یکصد و چهل و پنجمین کشور دنیا قلمداد می شود. طول محیط ساحلی این جزیره، ۱۵۶۶ کیلومتر است که اهمیتی فراوان برای روابط تجاری تایوان با سایر کشورها دارد. به دلیل بارش های زیاد در فصل تابستان و پاییز، یک سوم خاک تایوان مستعد کشاورزی است. از جمعیت ۲۳ میلیون نفری تایوان؛ ۱۶/۷

درصد زیر ۱۴ سال، ۷۲/۶ درصد بین ۱۵ تا ۶۴ سال و ۱۰/۷ درصد افراد را سنین بالاتر از ۶۵ سال تشکیل می دهند. بنابراین، جمعیت تایوان رو به پیری است. رشد جمعیت در این کشور ۰/۳ می باشد. امید به زندگی در تایوان برای مردان، ۷۵ سال و برای زنان، ۸۱ سال است. ۹۷ درصد مردم تایوان با سواداند. شهر تایپه به عنوان مرکز تایوان بیش از ۳/۵ میلیون نفر جمعیت دارد. (۱) رشته ارتفاعاتی از شمال به جنوب و از میانه شرقی این جزیره عبور می کند که کوه های چونگ یانگ نام دارد و قله پوشان به بلندی ۳۹۹۷ متر، مرتفع ترین نقطه آن و جلگه ساحل غربی این کشور عمده ترین مرکز کشاورزی آن است. بیش از نیمی از این سرزمین را جنگل های انبوه پوشانده است. رودخانه های چندی که همگی از ارتفاعات چونگ یانگ سرچشمه می گیرند، این کشور را مشروب می سازند که عمده ترین آنها رودهای تان، پینانتا، تاتو، چوشویی و تاچیا هستند. این سرزمین همچنین از جزایر دیگری مانند مجمع الجزایر پنگه (پسکادورس)، چینمن (کمو) با ۱۷۵ کیلومتر مربع وسعت، ماتسو و هوئوشائو و غیره نیز تشکیل یافته و اقلیم آن گرم، مرطوب و پر باران است. (۲)

۲. تحولات سیاسی

الف. پیشینه تاریخی

بیشتر جمعیت تایوان را چینی هایی که از سده هفدهم میلادی به دلایل گوناگون به این جزیره مهاجرت کرده و تایوانی نامیده شده اند، تشکیل می دهند. در سال های ۱۹۴۹ و ۱۹۵۰، صدها هزار چینی کومینگ تانگ از سرزمین اصلی چین به تایوان مهاجرت کردند و بدنه اصلی نظام حکومتی این کشور را تشکیل دادند. علاوه بر چینی ها، ماله ها و پولینزیایی ها که در حاشیه شرقی جزیره زندگی می کنند، از اقلیت های قومی این کشور هستند.

مهاجرت چینی ها به تایوان از سده هفدهم میلادی آغاز شد، اما پیش از آن، اروپایی ها به این سرزمین راه یافته بودند. در سال ۱۵۹۰، پرتغالی ها وارد تایوان شدند و آن را فرمز (یعنی زیبا) نامیدند. در نیمه اول سده هفدهم نیز هلندی ها و اسپانیایی ها وارد جزیره شدند و جنوب جزیره را هلندی ها و شمال آن را اسپانیایی ها اشغال کردند. در سال ۱۶۴۱ هلندی ها، اسپانیایی ها را از جزیره بیرون راندند و سراسر جزیره را به تصرف خود درآوردند. آنان نیز در سال ۱۶۶۲ مغلوب سلسله مینگ، و ناگزیر از ترک

جزیره شدند. امپراتوران منچو در سال ۱۶۸۳، تایوان را ضمیمه امپراتوری خود کردند و آن را به یکی از استانهای کشور چین تبدیل نمودند. در پی آن، بسیاری از چینی ها به تایوان مهاجرت کردند. بعد از شکست چین در جنگ ۱۸۹۵ با ژاپن، تایوان به یکی از مستعمرات ژاپن میدل شد. بنابراین، امپراتوری ژاپن از سال ۱۸۹۵ تا پایان جنگ جهانی دوم تایوان را در اشغال داشت. در کنفرانس قاهره، در سال ۱۹۴۳، مقرر شد که تایوان و سایر مناطق اشغالی به چین برگردانده شوند، در ۲۵ اکتبر ۱۹۴۵، ژاپن رسماً تایوان را به حکومت مرکزی جمهوری چین تسلیم کرد. عقب نشینی حکومت ملی گرا در سال ۱۹۴۹ به تایوان سبب شد که چین به دو کشور تقسیم شود. این دو عبارت بودند از: «جمهوری خلق چین» که تحت لوای کمونیسم بر سرزمین اصلی تسلط داشت، و «جمهوری چین» که حاکم بر تایوان و جزایر کوچک وابسته اش بود. حکومت جمهوری چین و حزب حاکم ملی تاکید داشتند که نماینده واقعی سرزمین اصلی هستند و حکومت کمونیستی جمهوری خلق، مشروعیت ندارد.

همچنان که اشاره شد، هنگامی که ژنرال چیانگ کای شک در سال ۱۹۴۹ از کمونیست ها شکست خورد، به جزیره فرمز گریخت و دولت چین ملی را با حمایت آمریکا تاسیس کرد و دولت آمریکا موجودیت چین ملی را در مقابل چین کمونیست، تضمین نمود. دولت چین ملی ادعای مالکیت بر سراسر چین را داشت و با حمایت آمریکا، کرسی چین در سازمان ملل را در دست گرفته بود. ژنرال چیانگ کای شک از سال ۱۹۴۹ تا سال ۱۹۷۵ بر تایوان حکومت کرد و با مرگ وی، ین چیاکان به جانشینی او انتخاب گردید.

در سال ۱۹۷۱ با مسافرت رییس جمهوری وقت آمریکا (ریچارد نیکسون) به چین، آمریکا در روابط خود با کشور بزرگ چین تجدید نظر کرد و شرایط عضویت آن کشور در سازمان ملل و اخراج تایوان را فراهم آورد. تایوان رفته رفته از حمایت آمریکا بی بهره شد تا جایی که در سال ۱۹۷۹، آمریکا روابط خود را با تایوان قطع کرد و چندی بعد دنگ شیائوپینگ رهبر چین اعلام داشت که تایوان بخشی از چین و متعلق به این کشور است. به دنبال این اعلامیه، بحران سیاسی شدیدی بر جامعه تایوان حکمفرما شد و هر نوع فعالیت و داد و ستد با چین به کلی ممنوع گردید و حتی روابط با برخی از کشورها، مانند کره جنوبی که با چین روابط سیاسی نزدیکی برقرار کرده بود، قطع شد.

در سال ۱۹۹۵ زمانی که بی جینگ رهبر تایوان از آمریکا دیدن کرد، چین دست به اعتراض شدیدی

زد و استقرار موشک های آمریکایی در تایوان را که فقط حدود ۱۵۰ کیلومتر تا چین فاصله داشت، نوعی تهدید علیه خاک چین تلقی نمود. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۶ تایوان، چین به مانور نظامی در آب های نزدیک به تایوان دست زد و آمریکا نیز برای دفاع از تایوان، کشتی های جنگی خود را به آن ناحیه اعزام داشت. در اولین انتخابات ریاست جمهوری تایوان در ۲۰ مارس، لی تنگ از حزب کومینگ تانگ به ریاست جمهوری رسید. در ژوئیه ۱۹۹۶ زمانی که مالکیت هنگ کنگ به چین بازگشت، چین به مانور نظامی در آب های تایوان پرداخت و تایوان نیز در ماه اوت روابط خود را با جزیره سنت لوسیا که روابط نزدیکی با چین برقرار کرده بود، قطع کرد.(۳)

در آوریل ۱۹۹۸ چین و تایوان تصمیم به گفتگوی مستقیم گرفتند. مذاکرات و ارتباط مستقیم میان دو کشور از ژوئن ۱۹۹۵ قطع شده بود. حزب ترقی خواه دموکراتیک که از اواسط دهه هشتاد، فعالیت خود را در مخالفت با سیاست های حزب کومین تانگ آغاز کرده بود، در انتخابات سال ۲۰۰۰ پیروزی های چشمگیری به دست آورد و برای نخستین بار حاکمیت دولت از دست کومین تانگ خارج شد. در این انتخابات «چین شوی- بیان»، از حزب ترقی خواه دموکراتیک به ریاست جمهوری رسید و در پی آن چانگ چون- هسیونگ، از همین حزب، به نخست وزیری برگزیده شد.

در سپتامبر سال ۲۰۰۱، تقاضای عضویت تایوان در سازمان تجارت جهانی، یک روز پس از پذیرفته شدن جمهوری خلق چین در این سازمان، مورد پذیرش قرار گرفت. در انتخابات پارلمانی دسامبر ۲۰۰۱، حزب ترقی خواه دموکراتیک ۸۷ کرسی و حزب کومین تانگ ۶۸ کرسی به دست آوردند. با روی کار آمدن جورج بوش از حزب جمهوری خواه در آمریکا، این کشور قول داد کمک های نظامی خود به تایوان را افزایش دهد.(۴)

ب. دموکراسی و توسعه سیاسی

تایوان نمونه نادری از نظام سیاسی ای است که در آن، حاکمیت اقتدارگرا به آرامی در حال کم کردن از قدرت خود در جهت پیشبرد روش حکومتی دموکراتیک است. روند توسعه دموکراسی در تایوان استثنایی بوده است، چرا که حکومت اقتدار طلب ملی گرا، همزمان با تهدید شدن از سوی دشمنی خارجی به نام «جمهوری خلق چین»، اصلاحات دموکراتیک را شروع کرد.(۵)

حزب توسعه گرا و اقتدار طلب ملی، بر خلاف احزاب کمونیست و دیگر نظام های خودکامه ای که پس از جنگ جهانی دوم بر بسیاری از کشورها حاکمیت داشتند، متعهد به ایجاد دموکراسی بود. رهبری آن، پیرو اندیشه های نظریه پرداز سیاسی و انقلابی چینی، سون یات سن (۱۸۶۶ تا ۱۹۲۵) بود. عقاید سون، تعهد جدی به ایجاد دموکراسی چینی در تایوان داشت، اما شرط این کار آن بود که ملی گرایان تصمیم بگیرند که اصلاحات سیاسی را چه زمانی و تحت چه شرایطی آغاز کنند. تهدیدهای خارجی و داخلی جدی بودند، و به همین دلیل رهبری حزب ملی، اصلاح حزب را تا بهار ۱۹۸۶ شروع نکرد.

حکومت اقتدارگرا بین سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۵ برای مدرن سازی و توسعه تدریجی دموکراسی در اقتصاد و سیاست جمهوری چین، اصلاحاتی را آغاز کرد. برنامه اصلاحات ارضی، با اعطای وام هایی با بهره کم برای خرید زمین و اعطای اوراق قرضه به زمین داران، موجب شد که زمین بین کشاورزان فقیر و بدون زمین تقسیم شود. در سال ۱۹۵۰، انتخابات منظمی برای تشکیل شوراهای شهری، ایالتی، شهرداری و فرمانداری آغاز شد و در سال ۱۹۵۳، تحصیلات ابتدایی برای همه رایگان شد. این اصلاحات باعث شد که مردم بتوانند در سایه تساوی حقوقی، مرفه تر و باسوادتر شوند، و همه بتوانند در دولت های محلی مشارکت نمایند. در سال ۱۹۷۰، بیش از ۷۰ درصد مردم، ساکن شهرهایی با جمعیتی بیش از ۲۰۰۰ نفر بودند. مردم تایوان، با وجود بالا بودن نسبت باسوادان و تعداد مناسب افرادی که دارای تحصیلات عالی بودند، درآمد سرانه ای فقط معادل ۳۸۹ دلار داشتند، انتخابات محلی به فعالیتی عادی در زندگی مردم تبدیل شد، جامعه مدنی جدیدی شکل گرفت و جوانان بیشتری وارد زندگی سیاسی شدند. همزمان با رشد جامعه مدنی تایوان، انزوای این کشور در جهان افزایش می یافت.

«جمهوری خلق چین» در سال ۱۹۷۲، جای «جمهوری چین» در سازمان ملل را گرفت و آمریکا هم در سال ۱۹۷۹ روابط دیپلماتیک خود را با جمهوری چین قطع کرد. در بنبوحه این رویدادها، چیانگ چینگ-کو، فرزند چیانگ کای-شک (رئیس جمهور از ۱۹۲۸ تا ۱۹۴۹)، به قدرت رسید. چیانگ چینگ-کو در مارس ۱۹۷۸ ششمین رئیس جمهور جمهوری چین تایپه شد و در ۱۹۸۴ برای بار دوم به این سمت برگزیده شد. او در سال ۱۹۸۴ لی تنگ-هویی را به معاونت خود منصوب کرد؛ لی تنگ-هویی اقتصاددان و صاحب منصبی هوشمند و بومی تایوان بود. چیانگ از اوایل دهه ۱۹۷۰ تایوانی های مستعد را برای عضویت در حزب و تصدی سمت های حکومتی به کار گرفته، و راه های گسترش

دموکراسی را بررسی کرد. (۶)

در اواخر مارس ۱۹۸۶، چیانگ کمیته ای ۱۲ نفره برای اصلاحات منصوب کرد. وظایف این کمیته به قرار زیر بود: بررسی راه های برقراری قوانین امنیتی جدید به جای حکومت نظامی، تقدیم لایحه ای برای ایجاد امکان رقابت احزاب سیاسی، و اصلاح قانون اساسی برای این که انتخابات ملی ممکن باشد. در ژانویه سال ۱۹۸۷، دولت به روزنامه ها اجازه داد که تعداد نسخه های روزانه خود را زیاد کنند و بدین وسیله به سانسور خاتمه داد. در ۱۵ ژوئیه، حکومت قوانین امنیتی جدید را ابلاغ و حکومت نظامی را لغو کرد. سپس حزب ملی و حکومت، قانونی تصویب کردند که اجازه ثبت احزاب سیاسی و شرکت ایشان در انتخابات را می داد. در نوامبر ۱۹۸۷ حزب و حکومت، بر طبق نظر چیانگ، به افرادی که به کار دولتی اشتغال نداشتند، اجازه داد که برای ملاقات با بستگان خود به سرزمین اصلی سفر کنند. در فعالیت های تبلیغاتی قبل از انتخابات ۱۹ دسامبر ۱۹۸۹، برای نخستین بار، عامه مردم به شکل علنی در مورد تغییر نام تایوان به «جمهوری تایوان» بحث کردند؛ در این انتخابات، «حزب ترقی خواه دموکراتیک»، ۶ کرسی از ۲۰ کرسی شهرداری - فرمانداری را به دست آورد که شکستی عمده برای حزب ملی محسوب می شد.

چیانگ در ۱۳ ژانویه ۱۹۸۸ درگذشت. چند ساعت بعد، بدون هیچ مشکلی، معاونش، لی تیگ - هویی، اولین بومی تایوانی بود که به ریاست جمهوری تایوان رسید. در هفتمین کنگره حزب ملی در ماه ژوئیه، اعضای حزب، دبیر کلی لی را تایید کردند. پس از ۱۹۴۹ او نخستین کسی بود که ریاست جمهوری و دبیرکلی حزب ملی را در یک زمان دارا بود. در پنج سال بعد، نوع عمده ای از انتقال قدرت سیاسی، نخست داخل حزب ملی و سپس در محیط نوین سیاسی، صورت پذیرفت. سرعت توسعه دموکراسی بین سال های ۱۹۸۶ و ۱۹۹۴ در تاریخ تمدن چین بی سابقه بود. انتقال سریع از دموکراسی محدود به دموکراسی کامل در تایوان بین سال های ۱۹۸۶ و ۱۹۹۶، معجزه ای سیاسی در تاریخ سیاست قرن بیستم چین بود، و تایوان را به اولین دموکراسی چینی تبدیل کرد. (۷)

دموکراسی در تایوان از درون یک سنت سیاسی استبدادی به وجود آمد، در جامعه ای که به طرز عمیقی تحت نفوذ نظام کنفوسیوسی بود. (۸)

تمام شرایط ضروری برای دموکراسی در تایوان وجود دارد. ارتش و پلیس اکثرا تحت کنترل

مسئولین انتخاب شده، هستند. هیچ شکی نیست که حمایت مردم از سازمانهای دموکراتیک، گسترده و عمیق است. هیچ کنترل خارجی که ضد دموکراسی باشد، در تایوان وجود ندارد اما رابطه بین تایوان و سرزمین اصلی چین به قدری پیچیده و غیرقابل پیش بینی است که در تمام تحولات آینده، تأثیر گذار خواهد بود. اقتصاد قوی معطوف به بازار تایوان یکی از مثبت ترین ویژگی های آن از نظر پرورش دادن شرایط برای یک دموکراسی موفقیت آمیز می باشد. در واقع کسانی که مدافع این نظریه هستند که سرمایه داری به دموکراسی می انجامد، اغلب از تایوان به عنوان یک نمونه مهم نام می برند. رشد معجزه آسای اقتصادی پس از جنگ، طبقه متوسطی را به وجود آورد که بسیار سفر می کردند و به دولت بیش از پیش فشار می آوردند که همان گونه که حوزه اقتصادی را باز کرده، حوزه سیاسی را بگشاید. این تجربه همچنین نشانه ای قوی از این است که تایوان ممکن است الگویی برای دموکراسی در چین شود، زیرا نه تنها یک پیوند قومی بین دو کشور وجود دارد، بلکه تجربه گذار از یک نظام دیکتاتوری نیز هست. (۹)

۳. تحولات اقتصادی

الف. پیشینه فعالیت های اقتصادی

همچنان که اشاره شد، تایوان طی سال های ۱۹۴۵-۱۸۹۵ تحت استعمار ژاپن قرار داشت و اقتصاد آن مبتنی بر صادرات محصولات کشاورزی و فرآوری صنعتی آن بود. طرح های زیر ساختی اصلی تایوان از جمله راه آهن، فرودگاه، سدهای برق-آبی در همین زمان ساخته شدند و مبنایی برای توسعه بعدی شدند.

در سال ۱۹۶۲ تولید ناخالص ملی سرانه ۱۷۰ دلار بود که تقریباً از نظر اقتصادی وضعیتی بین زئیر و کنگو به حساب می آمد. در سال ۱۹۹۹ بر اساس شاخص توسعه انسانی، تولید ناخالص داخلی سرانه تایوان به حدود ۱۹/۲۰۰ دلار (۱۰۰ برابر افزایش) رسید و بیست و سومین کشور جهان شد. اقتصاد دانان، اقتصاد تایوان را به عنوان نمونه ای آرمانی از رشد همراه با برابری می دانند. توسعه سریع اقتصادی تایوان ارتباط نزدیکی با جنگ سرد دارد. در دوره بعد از جنگ جهانی دوم، ژنرال چیان کای شک و حزب ملی گرای چین بر تایوان حکومت می کردند. در دو سال اول حکومت او، تورم بالا،

بیکاری گسترده، و فساد شایع بود. وقتی مردم محلی تایوان علیه فساد و حاکمیت غیر دموکراتیک در فوریه ۱۹۴۷ اعتراض کردند، حزب ملی گرای چین با ارسال نیروهای نظامی، حدود بیست هزار نفر از آنان را کشت. در عین حال این کشور به تدریج با همکاری و حمایت آمریکا، الگوی موفق سرمایه داری آسیایی را ایجاد کرد. (۱۰)

تایوان به تشویق آمریکا اجرای اصلاحات کشاورزی «زمین برای کشاورز» را در سال ۱۹۵۳ شروع کرد. اعضای طبقه زمیندار که با حوادث ۲۸ فوریه ۱۹۴۷ ترسیده بودند، مقاومتی نشان ندادند و سهام داری در بنگاه های صنعتی دولتی در حال ظهور را به عنوان غرامت زمین های شان پذیرفتند. از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۷ تولید کشاورزی در نرخ سالانه ۴/۴ درصد باقی ماند، یعنی رشدی که کمک به جلوگیری از نارضایتی در حومه شهر می کرد. قیمت گذاری زیاد دلار جدید تایوان در بازارهای جهانی با مالیات ها و سیاست های کشاورزی ترکیب شد (همچون تهیه اجباری برنج زیر قیمت های بازار) و دولت را قادر ساخت که منابع اقتصادی را از کشاورزی به صنعت منتقل کند.

تایوان توسعه صنعتی خود در دوره پس از جنگ جهانی دوم را با سیاست های جایگزینی واردات از طریق ایجاد بنگاه های اقتصادی عمومی در حوزه هایی همچون فولاد، پالایش نفت و کشتی سازی آغاز کرد و حمایت و تقویت سرمایه گذاری خصوصی در زمینه های منسوجات، پلاستیک و الیاف های ترکیبی را در دستور کار قرار داد. با حمایت مالی و مشاوره متخصصان آمریکا و نیز با دسترسی ترجیحی به بازارهای آمریکا، تایوان تا دهه ۱۹۶۰ توانست سیاست های گزینشی جانشین کردن صادرات را شروع کند. اقدام اولیه ابتدائاً متمرکز بر تولید کاربر منسوجات، کفش، کالاهای پلاستیکی و دوچرخه بود.

تایوان به زودی ساختار صنعتی با ترکیب بزرگ، اغلب دولتی و بخش های اصلی را با شبکه های قراردادهای انبوه بنگاه های اقتصادی کوچک و متوسط خصوصی در بخش های فرعی جایگزین کرد. زمینداران اصلی که همراه با چیان کای شک در سال ۱۹۴۹ از چین آمدند، اکثر مناصب کلیدی را در حکومت و صنایع بزرگ به دست گرفتند. تایوانی های بومی که برای نسل ها در تایوان زندگی می کردند، اکثراً اجازه یافتند که در بخش پر مخاطره بنگاه های کوچک و متوسط کار و فعالیت کنند و بخش دولتی نقش ابزاری را در توسعه این صنایع به عهده گرفت. برای نمونه حکومت حزب ملی گرای چین یک جنبش «ترک کردن خانه برای کار در کارخانه» را در دهه ۱۹۷۰ برای کانالیزه کردن مازاد

نیروی کار در جهت تولید در چارچوب مالکیت خانوادگی بنگاه های کوچک و متوسط، آغاز کرد. در اواسط و اواخر دهه ۱۹۷۰ تایوان با تعدادی از بحرآنهاهای اقتصادی و سیاسی دست به گریبان شد. تایوان به بحران نفتی ۷۴-۱۹۷۳ و فشارهای تورمی بعدی از طریق جابجا کردن تأکید بر سیاست های صنعتی در مورد حوزه های غیر انرژی بر و تکنولوژی بر همچون ابزارهای ماشین، نیمه رساناها، رایانه ها، ارتباطات دوربرد و بیوتکنولوژی پاسخ داد.

در سال ۱۹۸۰ صنعت علم پایه سینچو برای تسهیل همکاری بین واحد های تحقیقاتی دانشگاه ها و نهادهای دولتی و نیز بین شرکت های داخلی و خارجی با فناوری بالا، گشایش یافت. تقریباً در همان زمان که جهان در حال شناسایی جمهوری خلق چین بود، جمهوری چین (تایوان) شناسایی بین المللی خود را از دست داد. سازمان ملل متحد شناسایی جمهوری چین (تایوان) را متوقف کرد و کرسی آن را در شورای امنیت سازمان ملل به جمهوری خلق چین داد. ژاپن و کانادا در سال ۱۹۷۲ جمهوری خلق چین را به رسمیت شناختند. (۱۱)

در دهه ۱۹۹۰ به دنبال افزایش ارزش دلار جدید تایوان و به گونه ای مشابه هزینه بالای نیروی کار تایوان، این کشور بیش از پیش بازسازی صنعتی را با گذار از تولید کاربر به تولید سرمایه بر، پی گرفت. فرآیندهای تولید کارخانه ای کاربر همچون کفش و کالاهای الکترونیکی به طور گسترده ای به چین و آسیای شرقی منتقل شدند و تولید داخلی معطوف به صنایع با تکنولوژی بالا و سرمایه بر شد. شرکت های کاربری که در تایوان باقی ماندند، کارگران خارجی از تایلند، فیلیپین و دیگر کشورهای آسیای شرقی را به منظور کاهش هزینه نیروی کار، اجیر کردند. به این ترتیب، تایوان یک صادر کننده محض سرمایه در منطقه شد. (۱۲)

اقتصاد تایوان به واسطه بازسازی اقتصادی به طور فزاینده ای وابسته به رایانه ها و صنایع مربوطه شد. در سال ۱۹۹۷، صنعت سخت افزار فناوری اطلاعات، تولیدی به ارزش ۳۰ میلیارد دلار آمریکا داشت و تایوان را تبدیل به مهمترین کسب کننده ارز خارجی کرد. از سال ۱۹۹۵ تایوان سومین عرضه کننده بزرگ سخت افزار رایانه جهان پس از آمریکا و ژاپن شده است. در سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۱، وابستگی به رایانه دشواری هایی را برای تایوان به عنوان نتیجه رکود جهانی صنایع مربوط به فناوری اطلاعات، به وجود آورد و رشد سالانه این کشور که برای دو دهه حدود ۶ درصد بود، به ۲/۳۵ درصد کاهش یافت

و بیکاری به ۵/۳۲ درصد رسید که موجب ناامنی اقتصادی برای جمعیتی شد که از دهه ۱۹۷۰ از نرخ بیکاری ۲ درصد بهره می بردند. این وضعیت منفی اقتصادی با تغییر مکان سریع تولید صنعتی از تایوان به چین تشدید شد. (۱۳)

به طور کلی، تایوان دارای اقتصاد سرمایه داری است که جذب سرمایه های خارجی نقش مهمی در آن بازی می کند. در سال های اخیر به واسطه سرمایه گذاری شرکت های بزرگ اروپایی در تایوان، این جزیره به یکی از بزرگ ترین تولید کنندگان و صادرکنندگان قطعات الکترونیکی جهان تبدیل شده است و به همین دلیل در سال ۲۰۰۸ به دومین منبع بزرگ واردات آمریکا پس از ژاپن تبدیل شد. (۱۴) سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی تایوان، آزادی انتخاب مناسبی را به همه شهروندان می داد. (۱۵)

ب. روندهای جاری اقتصاد

امروزه تایوان را به عنوان یک اقتصاد پویای سرمایه داری می شناسند که به شدت وابسته و مرتبط با جریانهای اقتصادی بین المللی است. بنابراین، تایوان دارای اقتصادی باز با جهت گیری صادراتی است و از نظر سیاسی باثبات است و در رتبه بندی ریسک پذیری، دارای ریسک پایین اقتصادی و سیاسی می باشد. (۱۶)

رتبه آزادی تجاری تایوان ۳۳ در میان ۱۸۳ کشور، شاخص آزادی اقتصادی ۲۷ در میان ۱۷۹ کشور، شاخص فساد اقتصادی ۳۳ در میان ۱۷۸ کشور، و شاخص آزادی مطبوعات ۴۸ در میان ۱۷۸ کشور است. شرکای صادرات تایوان عبارتند از: چین (۲۸ درصد)، هنگ کنگ (۱۵ درصد)، ایالات متحده (۱۲ درصد) و ژاپن (۷ درصد) می باشند. شرکای واردات تایوان نیز عبارت از: ژاپن (۲۱ درصد)، چین (۱۴ درصد)، ایالات متحده (۱۰ درصد) و کره جنوبی (۶ درصد) هستند. سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی ۲ درصد، سهم بخش صنعت ۳۰ درصد، و سهم بخش خدمات ۷۰ درصد می باشد. ارزش صادرات نسبت به تولید ناخالص داخلی ۶۲ درصد، و ارزش واردات نسبت به تولید ناخالص داخلی ۵۴ درصد می باشد. (۱۷)

قریب ۷۰ درصد مردم تایوان شهرنشین هستند. شاغلان در بخش کشاورزی ۵ درصد، صنعت ۳۷ درصد، و خدمات ۵۸ درصد می باشند. نرخ بیکاری از ۲/۵ درصد در سال ۱۹۹۶ سیر صعودی یافته، در

سال ۲۰۰۱ به ۵ درصد، و در سال ۲۰۰۷ به ۳/۵ و سپس در سال ۲۰۰۹ به ۵/۸ درصد (به دلیل بحران مالی جهانی) رسید. هزینه های دولت در سال ۲۰۰۹ عبارت بودند از: تامین اجتماعی ۲۸/۵ درصد، توسعه اقتصادی ۱۴ درصد، آموزش و علم و فرهنگ ۲۴ درصد، تعهدات ۵/۵ درصد و کمک های مختلف ۴ درصد بوده است. (۱۸)

ارزش تولید ناخالص داخلی تایوان در پایان سال ۲۰۰۸ به بیش از ۷۳۸ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار رسید که نسبت به رقم مشابه در سال پیش از آن، ۱/۹ درصد رشد داشت. تایوان با توجه به این رقم بیستمین کشور جهان از نظر تولید ناخالص داخلی است. بخش کشاورزی ۱/۵ درصد، بخش صنعتی ۲۷/۸ درصد و بخش خدمات ۷۰/۷ درصد تولید ناخالص داخلی تایوان را تشکیل می دهند. در بخش خدمات ۸۹ درصد از فعالیت ها مربوط به بنگاه های کوچک و متوسط است.

تایوان حدود ۱۱ میلیون نفر نیروی کار دارد که ۵/۱ درصد از آنها در بخش کشاورزی، ۳۶/۸ درصد در بخش صنعتی و ۵۸ درصد در بخش خدمات شاغل هستند. با بروز بحران مالی اقتصاد جهانی، بیکاری در این کشور به ۶ درصد رسید که بالاترین نرخ بیکاری از سال ۱۹۷۸ تا کنون بوده است.

برنج، ذرت، سبزیجات، میوه و چای مهمترین تولیدات بخش کشاورزی تایوان هستند. تایوان در بخش معدن رگه های ضعیفی از زغال سنگ، مرمر، گچ، آزبست و گاز طبیعی دارد. بنابراین صنایع تایوان به شدت وابسته به واردات مواد اولیه معدنی از دیگر کشورها هستند. در بخش صنعت نیز این کشور تولید کننده قطعات و لوازم الکترونیکی، مواد شیمیایی، مسوجات، فولاد و کالاهای فلزی، انواع ماشین های صنعتی، سیمان، مواد غذایی، وسایل نقلیه موتوری، کالاهای مصرفی، دارو و لوازم بهداشتی است. تایوان به شدت نیازمند واردات انرژی الکتریکی و نفت خام از دیگر کشورها است. ارزش صادرات تایوان که به صورت عمومی شامل قطعات و لوازم الکترونیکی، انواع ماشین های صنعتی، فلزات، مسوجات، کالاهای پلاستیکی، مواد شیمیایی و قطعات خودرو است، تا پایان سال ۲۰۰۸ به ۲۵۶ میلیارد دلار رسید. چین، آمریکا، هنگ کنگ، ژاپن و سنگاپور به ترتیب بزرگترین شرکای صادراتی تایوان هستند.

این کشور در سال ۲۰۰۸ بیش از ۲۳۶ میلیارد دلار کالا وارد کرد که شامل قطعات الکترونیکی، انواع ماشین های صنعتی، نفت خام، کانی های فلزی و مواد شیمیایی بود. ژاپن، چین، آمریکا، عربستان

سعودی و کره جنوبی مهمترین فروشندگان کالا به تایوان هستند. تایوان بیش از ۱۱۰ میلیارد دلار بدهی بانکی دارد که بحران اقتصاد جهانی به افزایش این رقم در سال های اخیر کمک کرده است. واحد رسمی پول تایوان، دلار است و هر دلار آمریکا حدوداً با ۳۱/۵ دلار تایوان برابری می کند. (۱۹)

جدول شاخص های عمده اقتصادی تایوان

سال	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷
تولید ناخالص داخلی (دلار)	۳۳۱۰۰۷	۳۳۵۹۵۸	۳۶۶۳۵۷	۳۸۴۷۶۸
رشد تولید ناخالص داخلی (درصد)	۶/۲	۴/۲	۴/۸	۵/۷
تورم	۱/۶	۲/۳	۰/۶	۱/۸
بیکاری	۴/۴	۴/۱	۳/۹	۳/۹
رشد صادرات	۲۱/۲	۸/۸	۱۲/۹	۱۰/۱
رشد واردات	۳۱/۸	۸/۲	۱۱	۸/۲
هزینه تحقیق و توسعه (درصد از تولید ناخالص داخلی)	۲/۴	۲/۵	۲/۶	۲/۶
هزینه نظامی (درصد از تولید ناخالص داخلی)	۲/۲	۲/۲	۲	۲

Taiwan Country Report 2010

پ. بنگاه های اقتصادی کوچک و متوسط در تایوان

بنگاه های کوچک و متوسط یکی از مهمترین بخش ها در نظام اقتصادی - اجتماعی کشور تایوان محسوب می شوند. این کشور از نظر دارا بودن تعداد شرکت های کوچک و متوسط صنعتی (از مجموع شرکت های صنعتی) در بین کشورهای جهان در جایگاه اول قرار دارد زیرا نزدیک به ۹۸ درصد از کل شرکت های صنعتی در تایوان را بنگاه های کوچک و متوسط تشکیل می دهند. در بخش خدمات نیز بیش از ۸۹ درصد از مجموع شرکت های تجاری و خدماتی متعلق به بنگاه های کوچک و متوسط است.

۱۷ ◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی / شماره هفدهم / زمستان ۱۳۹۰

این بنگاه‌ها از نظر ایجاد اشتغال نقش بسیار مهمی در اقتصاد تایوان دارند و حدود ۷۸ درصد شاغلان را تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، نقش عمده را در تولید و صادرات بر عهده دارند. (۲۰)

با توجه به نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد تایوان، برنامه‌های حمایت از این بنگاه‌ها در مواردی همچون حمایت‌های مالی و مالیاتی، حمایت‌ها و تسهیلات فنی، تخصصی و مشاوره‌ای و حمایت‌های آموزشی و ترویجی، صورت گرفته است. (۲۱)

صنایع کوچک و متوسط تایوان نقش پررنگی در صادرات صنعتی دارند. در این کشور صنایع کوچک و متوسط نیمی از صادرات این کشور را انجام می‌دهند. تایوان سیاست‌های خود را با جهت‌گیری صادراتی برای صنایع کوچک شروع کرد. اتخاذ استراتژی صادرات برای صنایع کوچک و متوسط باعث شد تا این صنایع به عنوان پیمانکاران صنایع بزرگ خارجی به عقد قرارداد با صنایع خارجی اقدام کنند. همکاری صنایع کوچک و متوسط با صنایع بزرگ خارجی موجب انتقال فناوری به صنایع کوچک و متوسط تایوان شد. به علاوه، بررسی روند خروجی‌های صنعت در این کشور نشان می‌دهد که این صنایع از صنایع با فناوری ساده به سمت صنایع با فناوری پیشرفته، حرکت کرده‌اند. (۲۲)

ت. سیاست‌ها و برنامه‌های دولت برای توسعه

شرایط اولیه تایوان با توجه به زیربنای اقتصادی ایجاد شده در زمان استعمار ژاپن، استعداد‌های کارفرمایی برگرفته از چین و کمک‌های اقتصادی آمریکا، منحصر به فرد، و در عین حال، صنعتی شدن سریع این کشور متأثر از سیاست‌های داخلی بوده است. علاوه بر زمینه‌های اولیه، اصلاحات ارضی در تعدیل چشمگیر درآمد و ثروت، سیاست‌های ثبات اقتصادی، سرمایه‌گذاری‌های داخلی و توسعه صنعتی بسیار موثر بوده است.

پس از مرحله جایگزینی واردات در سال‌های ۵۷-۱۹۵۳، دولت سیاست تشویق صادرات را طی سال‌های ۷۲-۱۹۵۸ دنبال کرد و با فراهم کردن شرایط تجارت آزاد و ایجاد انگیزه‌های صادراتی، به تدریج به کاهش حمایت‌های وارداتی و جبران تورم‌های ضد صادراتی پرداخت. دولت همچنین ضمن تعیین هدف‌های صادراتی توسعه، صنایع کاربر را مورد حمایت قرار داد. رشد اقتصادی بین سال‌های ۷۲-۱۹۶۳ تقریباً دوازده درصد در سال بود.

در دهه ۱۹۷۰ دولت با سرمایه‌گذاری‌های وسیع در بخش‌های زیربنایی، بهبود کیفیت صنعتی و جایگزینی واردات، بیشتر یک راهبرد مبتنی بر خوداتکایی را دنبال کرد. بنگاه‌های عمومی به عنوان ابزاری برای سیاست‌های صنعتی به ویژه در صنایع سنگین و شیمیایی به کار گرفته شدند. در دهه ۱۹۸۰ سیاست در جهت تأکید بیشتر به سوی آزادسازی و توسعه صادرات تغییر کرد که نتایج آن چشمگیر بود زیرا مازاد تراز پرداخت‌های بسیار زیادی ایجاد شد و سرمایه‌گذاری‌های تایوان در منطقه، به مقیاسی قابل رقابت با ژاپن رسید. (۲۳)

به طور کلی تایوان از سال ۱۹۴۰ به بعد طی پنج مرحله برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی کلان را پشت سر گذاشته است:

- ۱- دوره ۵۰-۱۹۴۰ که دوره اتکای اقتصادی تایوان به صنایع کاربر است.
- ۲- دوره ۶۰-۱۹۵۰ که به تدریج صنایع سبک با سیاست جایگزینی واردات، وارد عرصه اقتصاد و تجارت تایوان شد.
- ۳- دوره ۷۰-۱۹۶۰ که دوره گسترش صنایع صادراتی از جمله صنایع سنگین و شیمیایی است
- ۴- دوره ۸۰-۱۹۷۰ که دوره گسترش صنایع با فناوری بالا و صادرات صنعتی است.
- ۵- دوره ۱۹۸۰ به بعد که تایوان تمامی تلاش خود را در عرصه رقابت جهانی این صنایع به کار گرفت. (۲۴)

تایوان از جمله کشورهایی است که دارای بازار بسیار بزرگ بین‌المللی در حوزه فناوری از جمله الکترونیک و میکروالکترونیک، اجزاء و قطعات رایانه می‌باشد که این امر مرهون نیروی کار و خدمات ارزان موجود در این کشور است. با این وجود، دولت تایوان هرگز محدودیتی برای جذب استعدادها و نیروهای فنی از خارج اعمال نمی‌نماید و آموزش‌های لازم در جهت پرورش منابع انسانی داخلی را از سطح دبیرستان آغاز می‌کند.

در اوایل روند توسعه صنعتی، دولت تایوان بیشترین سهم را در تحقیق و توسعه داشت اما با کاهش تدریجی آن تا دهه ۱۹۹۰، در سال ۱۹۹۳ این روند کاملاً نزولی بود به نحوی که بخش خصوصی سهم بیشتری در این حوزه را از آن خود ساخت. در عین حال حمایت‌های مالی دولت در این حوزه پررنگ بوده است. یکی دیگر از اقدامات مهم دولت که در جهت تشویق صادرات بود، تغییر نرخ بهره وام‌های

صادراتی در خلال سال های ۷۴-۱۹۷۳ بود به نحوی که از آن سال به بعد بر خلاف گذشته، به وام های صادراتی سوبسید اعطاء شد و تا کنون همواره نرخ بهره این وام ها از نرخ بهره حاکم در سایر بخش ها کمتر می باشد.

سیاست ها و راهبردهای حمایتی دولت در ایجاد زیر بنای رشد و شکوفایی صنعتی تایوان چشمگیر، و در موارد زیر بوده است:

- اعطای امتیازات جهت هدایت سرمایه گذاران به سوی فناوری
- استفاده از نهادهای مختلف از جمله سرمایه گذاری مستقیم خارجی با هدف نیل به مدارج بالای گسترش و تأمین فناوری

- حمایت از شرکت های داخلی و ایجاد مرکز توسعه ای مرتبط با فعالیت آنها.

صنعت الکترونیک تایوان، همزمان با موج سرمایه گذاری و فعالیت های شرکت های بزرگ آمریکایی و ژاپنی در منطقه شروع به گسترش فناوری و تطبیق صنایع داخلی با فناوری های پیشرفته روز کرد. در سال ۱۹۹۵ تایوان به مقام چهارمین تولید کننده بزرگ جهان در زمینه قطعات کامپیوتر نایل شد. علاوه بر این، ۶/۵ درصد از سهم بازار جهانی ماشین های اداری و قطعات کامپیوتر، ۳/۱ درصد بازار جهانی کامپیوتر و ۲/۷ درصد بازار جهانی مخابرات را در اختیار گرفت. (۲۵)

دولت تایوان نقش به سزایی در آموزش نیروی انسانی فعال در صنعت الکترونیک داشته است و سرمایه گذاری های بنیادی در این زمینه صورت داده است. تایوان بر خلاف کره که دارای شرکت های بسیار بزرگ صنعتی است، دارای ساختار پراکنده صنعتی است و صناعت و صادرات این کشور به شرکت های کوچک و متوسط متکی است. به همین دلیل چون این شرکت ها قادر به سرمایه گذاری در زمینه تحقیق و توسعه در زمینه فناوری های برتر نبودند، دولت حمایت خود را در این زمینه آغاز کرد و با ایجاد موسسه تحقیقاتی فناوری صنعتی تایوان، از راه های زیر اقدام به حمایت نمود:

۱- انتخاب، کسب و شناسایی فناوری های برتر خارجی

۲- آموزش مهندسان و پرستل فنی صنعت

۳- ارائه کمک به شرکت های جدید التأسيس

این موسسه تلاش می کند نارسایی های ناشی از کوچک بودن شرکت ها در این کشور را از راه

هایی همچون تجمیع منابع تکنولوژیکی در یک مرکز ملی سهل الوصول برای شرکت های کوچک ملی و ایجاد شرکت های فرعی و خصوصی که دارای فناوری بالایی در یک زمینه خاص می باشند، برطرف کند. تحقیقات کاربردی که توسط این موسسه حمایت می شود، به دو بخش تقسیم می شوند که شامل تحقیقات کاربردی کوتاه مدت و میان مدت، و دراز مدت می باشد. طرح های کوتاه مدت ۳۰ درصد بودجه تحقیق و توسعه را شامل می شود. معمولاً هدف، بهبود تولیدات و فرآیندهای جاری می باشد. بودجه طرح های تحقیقاتی میان مدت و بلند مدت که حداقل ۵۰ درصد بودجه تحقیق و توسعه را شامل می شود، معمولاً از سوی دولت تأمین می شود و نتایج آن به صورت عام به صنعت منتقل می شود.

مؤسسه فوق الذکر همچنین در زمینه تولید آزمایشی محصولات جدید نیز فعال می باشد و در حوزه علم و فناوری در یک پارک علمی - صنعتی به نام پارک صنعتی سینچو (جزیره سبز سیلیکون) قرار گرفته است. این پارک محیطی مناسب برای پیشرفت در تحقیق و توسعه، تولید، کار، زندگی و سرگرمی در زمینه فناوری های مدرن و زمینه ای برای جذب استعدادها و فناوری های پیشرفته می باشد. این پارک در سال ۱۹۸۰ با بودجه ۷۸۳ میلیون دلار توسط دولت تأسیس شد که سبب گرد آمدن دانشگاه ها، شرکت های دارای فناوری برتر، لابراتوارهای تحقیق و توسعه خصوصی و دولتی و شرکت های چند ملیتی شده است. بخشی از سیاست این پارک، به دست آوردن پایگاهی در بازارهای جهانی می باشد.

مؤسسه تحقیقاتی فن آوری صنعتی تایوان حدود نیمی از بودجه خود را از دولت و از طریق طرح هایی که بسیاری از آنها تحقیقاتی و عمومی هستند، کسب می نماید. بر حسب مقررات، نتایج حاصل از این تحقیقات باید در عین صحت و وضوح و تناسب زمانی، به بخش صنعت منتقل شود. علاوه بر این، این مؤسسه منابع مالی قابل توجهی را از طریق عقد قرارداد با بخش خصوصی به دست می آورد.

روی هم رفته دو عامل زیر را می توان در قطعه سازی الکترونیکی در تایوان مؤثر دانست: اول، مؤسسه تحقیقاتی فن آوری صنعتی تایوان که موجب کمک به تولیدکنندگان داخلی در تهیه مواد اولیه بود.

دوم، استفاده از یک سیستم شبکه ای مؤثر.

دولت با تصویب و اجرای قوانین پشتیبانی کننده از صنعت، توانست راه را برای ورود شرکت های خصوصی به این صنعت باز کند. وجود این قوانین همچنین در حمایت از سرمایه گذاران خارجی نیز

بسیار مؤثر بود. (۲۶)

استراتژی های توسعه ای دولت را می توان به سه بخش زیر تقسیم کرد:

۱- استراتژی توسعه صنعت کامپیوتر در قالب حمایت از تولیدکنندگان و تلاش برای گسترش وسایل جانبی مرتبط با آن.

۲- توسعه ساخت و یفرها (مدارهای مجتمع) در داخل و افزایش صادرات به خارج.

۳- توسعه صنایع پیشرفته متکی به دانش و فناوری های روز.

در راستای دستیابی به این استراتژی ها، ساختارها و نهادهای حمایتی زیر تشکیل شدند:

۱- حمایت از طرح های نوآوری از طریق ایجاد مراکزی با هدف ارتقای سطح نوآوری ملی

۲- برخورداری از طرح های نوین بازاریابی. (۲۷)

علاوه بر این موارد، حمایت دولت در ارائه خدمات مربوط به فن آوری اطلاعات (سخت افزارها، نرم افزارها، شبکه ها و رسانه ها که به منظور جمع آوری، ذخیره، پردازش، انتقال و نمایش اطلاعات به کار می رود)، یکی از عوامل مهم موفقیت در این بخش بوده است. دولت تایوان با تصویب قوانین حمایت مالی، برنامه بلند مدت جهت به کارگیری فن آوری اطلاعات، به عنوان یک بخش مهم در توسعه اقتصادی و اجتماعی، کشور را تقویت می کند. به ویژه در جهت شبکه که بخش عمده زیرساخت های آن در اختیار دولت بوده و دولت با در اختیار قرار دادن این زیرساخت ها به ارائه کنندگان خدمات و پشتیبانی از آنها باعث تسهیل فعالیت های آنان شده است.

به طور کلی، سیاست ها و حمایت های حساب شده، به موقع و مناسب دولت تایوان توانست راهگشای توسعه صنعت الکترونیک این کشور باشد و این کشور توانست در ۳۰ سال اخیر در حوزه صنایع با فناوری بالا از جمله نیمه هادی ها، میکروالکترونیک، کامپیوتر، تجهیزات مخابراتی و اطلاعاتی و سایر محصولات الکترونیکی، جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص دهد. (۲۸)

ث. دسترسی به فناوری و سرمایه خارجی

همچنان که اشاره شد، تایوان در دهه ۱۹۵۰ کار توسعه اقتصادی را با سیاست جایگزینی واردات و با استفاده از سرمایه انسانی قوی و تکیه بر صنایع کوچک و متوسط آغاز کرد. اگر چه این کشور نیز همانند

کره در دهه ۱۹۶۰ سیاست خود را به سیاست صادرات گرا تغییر داد، ولی حمایت و هدفمندی خود را برای توسعه و هدایت رشد صنعتی حفظ کرد. سیاست فوق با سیاست های مداخله گرانه جهت انتقال فناوری ترکیب شد تا بدین طریق از توسعه فناوری در مؤسسات داخلی حمایت شود. در حالی که گام اولیه این کشور کلا واردات فناوری بود، ولی به مرور این سیاست تغییر یافت. این کشور در دهه ۱۹۵۰ درصد جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی بدون تبعیض در مبدأ، مقصد یا درجه مالکیت آن بود و تنها بخش خدمات از نظر ورود سرمایه خارجی محدودیت داشت. در دهه ۱۹۶۰ صنایع کاربر مانند نساجی، پوشاک، و سرهم بندی وسایل الکتریکی، خواهان سرمایه گذاری مستقیم خارجی بودند. در دهه ۱۹۷۰، با افزایش دستمزدها و نیاز به ارتقای صنایع، دولت فناوری پیشرفته تر را مد نظر قرار داد و سعی کرد سرمایه گذاری مستقیم خارجی در زمینه صنایع کاربر را کاهش داده و آن را به سمت اتوماسیون، انفورماتیک و ابزار دقیق سوق دهد. هدفمندی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در دهه ۱۹۸۰ تقویت شد. بنابراین همگام با توسعه بخش صنعت و تعمیق فناوری در طول زمان، سیاست سرمایه گذاری مستقیم خارجی در تایوان بیش از پیش تبعیض گرا شد و دولت تایوان به طور روزافزونی به نظارت بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی پرداخت تا مطمئن شود که فناوری وارداتی دقیقاً با تغییرات اولویت های ملی همخوانی دارد. همچنین شرایطی را ایجاد کرد تا سرمایه گذاران در حوزه هایی که بنگاه های داخلی قوی تر بودند، بیشتر از توسعه فناوری بنگاه های داخلی استفاده کنند و در جایی که بنگاه های داخلی ضعیف بودند، بنگاه های خارجی با ترویج فناوری به افزایش توانمندی های داخلی بپردازند. همگام با تقویت قابلیت های داخلی، نظارت بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی کاهش یافت ولی حمایت از توسعه فناوری همچنان ادامه پیدا کرد. در چنین شرایطی بنگاه های تایوانی، خود به صورت سرمایه گذاران عمده در سایر کشورها درآمدند. بنابراین دولت درصد این بود تا فواید حاصله از سرمایه گذاری مستقیم خارجی را برای بنگاه های داخلی از طریق تشویق تأمین منابع از داخل کشور و انعقاد قراردادهای به حداکثر برساند و این استراتژی موقتی برای ایجاد رابطه فن آوران و مهارتی با بنگاه های خارجی بود. دولت تایوان، همچنین در مواردی که بخش خصوصی قادر به توسعه توانمندی های ضروری نبود، نقش مستقیمی را در توسعه فن آوری بر عهده گرفت. به طوری که اغلب به نمایندگی از طرف بنگاه های داخلی، تحقیقات استراتژیک یکپارچه ای را راه اندازی کرد و فعالیت بنگاه های مذکور را به خوبی

هماهنگ کرد تا بتوانند قابلیت های جدید رقابتی را در خود ایجاد کنند.(۲۹)

به طور کلی بنگاه های خارجی سهم نسبتاً کمی در موفقیت صنعتی و صادراتی تایوان دارند. بنگاه های داخلی به توسعه صادرات پرداختند و بدین منظور ابتدا ارتباط با چین را در آسیا مورد استفاده قرار داده و سپس همگام با توسعه خود با شرکت های بازرگانی ژاپنی و خریداران انبوه بازارهای آمریکا مرتبط شدند. علت این امر، ایجاد تسهیلات دولتی به منظور ارتباط با عرضه کنندگان کوچک و کمک به انجمن های صنعتی و سایر سازمانهای خصوصی بود. افزون بر این، تعداد زیادی مراکز تجاری محلی نسبتاً کوچک ایجاد شد که منابع با ارزشی جهت ارائه اطلاعات فنی، طراحی و بازاریابی به صادرکنندگان محسوب می شدند.(۳۰)

تایوان سیستم جامعی برای فعالیت تأمین مالی تکنولوژی ایجاد کرد. در اوایل دهه ۱۹۸۰ دولت تایوان دریافت که نظام مالی موجود نمی تواند نیاز مؤسسات متکی به تکنولوژی را برآورده کند، از این رو در سال ۱۹۸۳ یک صندوق سرمایه گذاری با سرمایه ۸۰۰ میلیون دلار ایجاد کرد. در سال ۱۹۹۱ این مبلغ به ۱/۶ میلیارد دلار افزایش یافت. این کشور در اواسط ۱۹۹۳ دارای ۲۳ شرکت سرمایه گذاری مخاطره آمیز بود که حدود ۹ میلیارد دلار تایوان (۳۴۰ میلیون دلار آمریکا) در حدود ۴۰۰ شرکت که در زمینه صنایع تکنولوژی بالا فعالیت داشتند، سرمایه گذاری کردند، به طوری که نزدیک به نیمی از این مبلغ صرف دو فعالیت اطلاعات و الکترونیک شد.(۳۱)

زیرساخت تکنولوژی تایوان برای حمایت از مؤسسات کوچک و متوسط بوده و به خوبی پایه گذاری شده است. در سال ۱۹۸۱ دولت «اداره کسب و کار متوسط و کوچک» را به منظور حمایت از توسعه مؤسسات کوچک و متوسط و هماهنگ سازی مؤسسات متعددی که کمک های مالی، مدیریتی، حسابداری، فنی و بازاریابی به آنها ارائه می دادند، ایجاد کرد. کمک مالی توسط بانک کسب و کار تایوان، بانک تایوان، صندوق ضمانت اعتباری کسب و کار کوچک و متوسط و مرکز کمک های کسب و کار کوچک تأمین گردید و کمک های مدیریتی و فناوری به وسیله مرکز بهره وری چین، مؤسسه تحقیقات فناوری صنعتی و تعدادی از مراکز فناوری صنعتی ارائه شد. دولت ۵۰ تا ۷۰ درصد حق الزحمه مشاور را برای خدمات مشاوره مدیریتی و فنی جهت مؤسسات کوچک و متوسط تقبل نمود. اداره کسب و کارهای متوسط و کوچک، صندوقی با سرمایه ۱۰ میلیارد دلار تایوان برای تشویق مؤسسات کوچک و

متوسط تأسیس کرد. «برنامه تشویق کارخانه های اقماری» کارخانه های کوچک را چون یک اصل واحد جمع کرد و از طریق فعالیت های افزایش بهره وری و کمک های فروش به حمایت از آنان پرداخت. تا سال ۱۹۸۹ حدود ۶۰ شبکه با ۱۱۸۶ کارخانه اقماری که عمدتاً در صنایع الکترونیک کار می کردند، به فعالیت مشغول بودند. (۳۲)

ج. تحقیق و توسعه

دولت تایوان هیچ گاه همچون کره، مجتمع های بزرگ صنعتی خصوصی را تشویق نکرد. این کشور در اواخر دهه ۱۹۵۰ تشویق توسعه قابلیت های تحقیق و توسعه داخلی را آغاز کرد و این زمانی بود که در اثر رشد وابستگی تجاری، به منظور ارتقاء تنوع کالاهای صادراتی، نیاز به بازسازی نوآوری داخلی افزایش یافت. در سال ۱۹۷۹ «برنامه علوم و فن آوری» آغاز شد و فن آوری های انرژی، اتوماسیون تولید، علوم اطلاعاتی و علم مواد برای توسعه مورد هدف قرار گرفت. در سال ۱۹۸۲، بیوتکنولوژی، الکترواپتیک، و فن آوری مواد غذایی به فهرست فوق افزوده شد. برنامه توسعه علوم و تکنولوژی در سال های ۹۵-۱۹۸۶ با توجه به استراتژی فن آوری های هدفمند برای رسیدن تحقیق و توسعه به ۲ درصد تولید ناخالص داخلی، ادامه یافت. حدود نیمی از هزینه های تحقیق و توسعه در تایوان به وسیله دولت تأمین می شود، اگر چه سهم مذکور در طول زمان کاهش یافته است. بخش خصوصی تایوان نسبت به کره در زمینه تحقیق و توسعه ضعیف بوده و علت آن، فزونی مؤسسات کوچک و متوسط است که توانمندی سرمایه گذاری در تحقیقات صنعتی لازم را نداشته است. در هر حال، مؤسسات تحقیق و توسعه در طول زمان به عنوان مؤسسات داخلی رشد کردند و برخی از آنها به صورت شرکت های چند ملیتی مهم مانند ایسر و تاتونگ درآمدند. تحقیق و توسعه طی سال ها در تایوان به وسیله انواع مشوق ها مورد حمایت قرار گرفته که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تأمین مالی سرمایه گذاری های مخاطره آمیز
- کمک مالی به شرکت هایی که تولیدات صنعتی استراتژیک را توسعه می دهند
- قابلیت کاهش ۱۰۰ درصدی مالیات هزینه های تحقیق و توسعه
- در نظر گرفتن نرخ استهلاک شتابنده در مورد تجهیزات تحقیقاتی

- مشوق های ویژه برای شرکت هایی که در «پارک علوم هینچو» ایجاد می شوند (با امکان سرمایه گذاری مؤسسات دولتی تا حدود ۴۹ درصد).

- الزام شرکت های بزرگ به سرمایه گذاری در زمینه تحقیق و توسعه. (۳۳)

ج. توسعه صادرات

صادرکنندگان تایوانی از مالیات ترجیحی و دسترسی به اعتبارات با شرایط مطلوب برخوردار هستند و به ایجاد انحصارهای صادراتی تشویق می شوند و کمک هایی جهت ارتقای کیفیت و اطلاعات بازاریابی در اختیارشان قرار می گیرد. مؤسسات داخلی که اغلب از شرکت های کوچک و متوسط هستند، هدایت صادرات را بر عهده دارند و برای این کار ابتدا از «ارتباط چینی» در آسیا و سپس با گسترش قلمرو صادراتی به رقابت با شرکت های تجاری ژاپنی می پردازند. در دهه ۱۹۶۰ حدود ۶ درصد صادرات منسوجات تایوان از طریق سوگوشوهای ژاپنی به فروش می رسید و حتی امروزه نیز یک سوم تا نیمی از صادرات تایوان توسط این شرکت معامله می شود. خریداران آمریکایی نیز در طول زمان از اهمیت بیشتری برخوردار شده اند و علت این امر تسهیلات دولت برای ارتباط با عرضه کنندگان کوچک و کمک های زیاد از سوی مؤسسات صنعتی و سایر سازمانهای بخش خصوصی است. علاوه بر این، تعداد زیادی مراکز بازرگانی محلی و نسبتاً کوچک ایجاد شدند که منبع با ارزشی برای عرضه اطلاعات فنی، طراحی و بازاریابی به صادرکنندگان تایوانی بودند. دولت تایوان مشوق های مؤثری به بنگاه ها عرضه می کرد تا آنها به صورت بنگاه های چند ملیتی درآمد و بازارهای خارجی را تصاحب کنند. (۳۴)

نتیجه گیری

شاید بتوان قاطعانه اذعان داشت که هیچ کشوری در دنیای در حال توسعه نتوانسته است از نظر رشد اقتصادی، کاهش فقر، ادغام در بازارهای جهانی و افزایش سطح زندگی به اندازه بزرگای آسیا به موفقیت دست یابد. در پنج دهه اخیر در این کشورها درآمدهای سرانه تقریباً چهار برابر شده، میزان رشد جمعیت به شدت پایین آمده و وضعیت بهداشت، درمان و آموزش به طور چشمگیری بهبود یافته است. کشورهای شرق آسیا با ترکیب مزیت ها، زمینه ها و برنامه های توسعه ملی (داخلی) با الگوهای

بازار و توسعه برون گرا (در هماهنگی با الزامات نظام بین الملل) رشد اقتصادی پر شتاب و پایداری را تجربه کرده، و در چهار دهه اخیر به طور میانگین رشد اقتصادی بالای هفت درصد در سال را کسب نموده اند.

عده ای معتقدند علت اصلی معجزه شرق آسیا، دولت و دخالت های فعالانه، انتخابی و آگاهانه آنها در اقتصاد بازار بوده است. گروهی دیگر (نولیبرال ها، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول) معتقدند دخالت محدود دولت و اجازه دادن به نیروهای بازار برای کنش محدود و آزادانه، انحراف اندک در قیمتها، ثبات اقتصاد کلان و توجه به مزیت نسبی بوده است.

مسلم است ایجاد ترکیب مناسب و هماهنگی میان برنامه های توسعه ملی این کشورها با الزامات بین المللی، نکته کلیدی برای درک توسعه شرق آسیا است. یکی از عوامل توسعه شرق آسیا، ژاپن به عنوان پیشرو توسعه در این منطقه بوده است که هم تأکید بر توسعه بومی داشته و هم بر تجربه ها و الزامات بین المللی توسعه توجه داشته است. با توسعه ژاپن، نسل اول کشورهای آسیا (کره جنوبی، تایوان، هنگ کنگ، سنگاپور) به توسعه دست یافت و سپس در فرآیندی تصاعدی، نسل دوم (مالزی، تایلند، اندونزی) به توسعه رسیدند. تنها استثناء و مورد ناموفق توسعه در شرق آسیا، مورد فیلیپین بوده است.

فرایند ایجاد دولت اقتدارگرا در تایوان، با انجام اصلاحات ارضی تکمیل شد. تایوان که از شورش دهقانی نگران بود، اصلاحاتی رادیکال را در بخش کشاورزی اجرا کرد که باقی مانده زمینداران بزرگ در این کشور را از بین برد (آنها یا به کارگران و دهقانان کوچک تبدیل شدند، و یا بورژوازی محلی را تشکیل دادند که بعدها با حمایت دولت، شرکت های بزرگی مشابه شرکت های ژاپنی ایجاد کردند). اصلاحات ارضی این کشور علاوه بر این که بهره وری کشاورزی را به میزان قابل توجهی افزایش داد، در ایجاد برابری اجتماعی نیز نقش مهمی ایفا کرد و زمینه مساعدی برای اجرای موفقیت آمیز استراتژی جایگزینی واردات که بعداً توسط این کشور اتخاذ شد، فراهم کرد. در این کشور، کارآفرینان اقتصادی برابر و مشابه برای دریافت امتیازات و اعتبارات دولتی با یکدیگر رقابت می کردند و دولت اقتدارگرا نیز بر اساس یک سیستم رقابتی، بیشترین امتیازات اقتصادی را به کارآترین فعالان اقتصادی، اعطاء می کرد. دولت مقتدر تایوان که بسیاری از مقاماتشان در ژاپن تحصیل کرده و قابلیت ژاپن برای جذب

تکنولوژی غرب و صنعتی شدن را تحسین می کردند، در ایجاد دیوانسالاری و نظام استخدامی نیز به الگوهای ژاپنی توجه داشت. تایوان که در طول نیمه نخست قرن بیستم تحت استعمار ژاپن درآمد، توسط این کشور تحولات بنیادینی را در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود تجربه کرد. این دگرگونی ها پس از جنگ جهانی دوم از طریق جنگ سرد، اصلاحات ارضی، و تشکیل دولت مقتدر در این کشور، تکمیل شد (الگو برداری از ژاپن)، و پس از آن، این کشور در زمانهای مختلف، روش ها و استراتژی های متفاوتی برای توسعه اقتصادی در پیش گرفت نظیر جایگزینی واردات، توسعه صادرات، ایجاد صنایع سنگین و شیمیایی، ایجاد شرکت های بزرگ تجاری و غیره که در این روش ها نیز از ژاپن تقلید می کرد.

تایوان در مسیر توسعه خود ضمن ایجاد تحولات عمیق توسعه گرایانه داخلی، وضعیت عمومی کشور خود را با الزامات نظام بین الملل هماهنگ نموده و برای استفاده از فرصت های نهفته در فضای جهانی شدن، حمایت قدرت های بزرگ را کسب نمود.

موفقیت اقتصادی تایوان از دهه ۱۹۶۰ به بعد در میان کشورهای در حال توسعه بی نظیر بود. یکی از عوامل این موفقیت، وجود دولت فعال بوده است. نقش دولت در این کشور عمدتاً مربوط به کیفیت بالای رهنمودهای سیاسی و فنی، و نه گستردگی آن، بوده است. دیوانسالاری ابزاری برای دگرگونی بوده است و نه عاملی در جهت بازداري فعالیت های بخش خصوصی. دولت نه جایگزین بلکه مشوق بخش خصوصی بوده، و از سیاست های انگیزشی برای بروز توانایی های بالقوه بخش خصوصی در جهت تحقق هدف های اقتصاد ملی بهره گرفته و ارتباط بین دولت و بخش خصوصی در این کشور عمدتاً سازنده بوده است. دولت در این کشور توانست ضمن فراهم آوردن ثبات سیاسی و وفاق ملی، سیاست های انعطاف پذیر، واقعگرایانه و مدبرانه را دنبال کند و این سیاست ها را نیز با موفقیت به اجرا درآورد.

تایوان از سرمایه گذاری عمومی در فعالیت های کارخانه ای کلان استفاده کرده تا ورودی های صنایع صادراتی را که عمدتاً کوچک و متوسط اند، تأمین کند. علاوه بر این، بازار سرمایه در این کشور آزاد نبوده است. به طور کلی، رشد مداوم اقتصادی از بر هم کنش مثبت چهار جنبه حساس سیاست اقتصادی منتج می شود: ثبات کلان اقتصادی، تشکیل سرمایه انسانی، گشایش درهای اقتصادی به

تجارت بین المللی، و محیط مشوق رقابت و سرمایه گذاری خصوصی. این موارد دقیقاً در مورد تایوان مصداق داشته است. به عبارت دیگر، این کشور دارای ثبات کلان اقتصادی، سرمایه انسانی سطح بالا، درجه ادغام زیاد در اقتصاد جهان، و رقابت شدید میان شرکت ها بوده است.

به طور کلی عوامل زیر را می توان به عنوان مؤلفه های توسعه تایوان ذکر کرد:

۱- دولت توسعه گرا و نظام اداری کارآمد: اولین و مهم ترین عامل، وجود دولتی توسعه گرا و نظام اداری کارآمد بود که دولت از طریق نظام اداری خود توانست سیاست های کارشناسی شده را طراحی و اجرا کند.

۲- نخبگان توسعه گرا: در درون دولت و نظام اداری، نخبگانی وجود داشتند که توسعه را آرمان و دستیابی به آن را هدف اصلی خود می دانستند.

۳- اهمیت مسأله بقا به عنوان نیروی برانگیزاننده چرا که تقریباً تمام این کشورها، درگیر بحران فقر جمعی بودند.

۴- نیروی کار ارزان، منضبط و با انگیزه: این عامل در مراحل اولیه و میانی توسعه، انباشت فراوان سرمایه ملی و دستیابی به بازارهای فروش محصولات داخلی را ممکن کرد و باعث شد روندهای مستمر توسعه کشور، تداوم یابد.

۵- ارتباطات مؤثر جهانی: ارتباطات مؤثر جهانی و همکاری های گسترده بین المللی باعث تسریع روند توسعه از طریق گسترش سرمایه گذاری های خارجی، انتقال فن آوری، و استفاده از بازار فروش برای کالاهای ساخت داخل شد.

۶- بسترهای مناسب فرهنگی (اخلاق کار): بستر این تحولات، وجود نظامی از اخلاقیات مدافع ثبات، نظم و انضباط اجتماعی از یک طرف و ترویج اخلاق کار و لزوم تلاش برای ساختن و اهمیت وجدان کاری و تبعیت از سلسله مراتب اجتماعی - سازمانی بود. این بستر مناسب فرهنگی، روند توسعه ملی را تسریع و آن را به آرمانی جمعی تبدیل کرد.

۷- ثبات سیاسی: تمام این عوامل، یعنی استمرار دولت توسعه گرا و نظام اداری کارآمد، نخبگان تحول خواه و ناسیونالیسم قوی آنها، نیروی حرکت دهنده برای حل مسأله بقا، نیروی کار نسبتاً ارزان، برقراری انضباط شدید نیروی کار، وجود اخلاق مدافع کار و تولید و ارتباطات مؤثر جهانی، در شرایطی

که «ثبات سیاسی» وجود داشته باشد، می‌تواند توسعه را محقق کند. ثبات سیاسی باعث شد تا اراده برای توسعه و آگاهی به لزوم توسعه یافتگی و شیوه‌های منطقی دسترسی به آن، فرصت ظهور و بروز پیدا کند.

Archive of SID

منابع

- ۱- کامران نرجه، «بازارشناسی تایوان»، *کوتاه از کشورها*، شماره ۳۲، شهریور ۱۳۸۸، ص ۳۲.
- ۲- عباس جعفری، *اطلس گیتا شناسی کشورها* (تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۸۴)، ص ۱۹۹.
- ۳- همان.
- ۴- همان، ص ۲۰۱.
- ۵- رومان اچ. مایرز، «تایوان»، در سیمور مارتین لیپست، *دایره المعارف دموکراسی*، سرپرستان ترجمه فارسی: کامران فانی و نورالله مرادی (تهران: وزارت امور خارجه، چاپ سوم، ۱۳۸۵)، ص ۴۶۶.
- ۶- همان، ص ۴۶۷.
- ۷- همان، صص ۴۶۸-۴۶۹.
- ۸- آلن ت. وود، *دموکراسی های آسیایی*، ترجمه زهرا زهرایی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۴)، ص ۸۵.
- ۹- همان، صص ۹۸-۹۶.
- 10- **Encyclopedia of the Developing World**, Editor: Thomas M. Leonard, (NewYork and London: Routledge, 2000), p.1515.
- 11- **Ibid**, p. 1516.
- 12- **Ibid**, p. 1515
- 13- **Ibid**, p. 1517.
- ۱۴- نرجه، پیشین، ص ۳۳.
- 15- Taiwan Country Report 2010, at: <http://www.bertelmann-transformation-index.de>.
- 16- **Ibid**, p.1.
- 17-Ashvin Matabadal, Rabo Bank and Economic Research Department, **Country Report: Taiwan**, (Netherland: November, 2010), p. 2.

18- KCIC, "Country Profile 2010: Taiwan", at:

<http://www.kcic-asia.com/research>

۱۹- نرجه، پیشین، ص ۳۳.

۲۰- گروه مطالعات بنگاه های اقتصادی کوچک و متوسط سازمان مدیریت صنعتی، «نقش بنگاه های کوچک و متوسط در اقتصاد تایوان»، تدبیر، شماره ۱۳۹، آذر ۱۳۸۲، ص ۵۲.

۲۱- همان، ص ۵۵.

۲۲- فرید کی مرام و همکاران، *استراتژی توسعه صنعتی کشور: نقش صنایع کوچک و متوسط در توسعه صنعتی*، جلد اول (تهران: دانشگاه صنعتی شریف- دانشکده مدیریت و اقتصاد، ۱۳۸۴)، ص ۱۵-۱۶.

۲۳- باقر درویشی و حشمت الله عسگری، «جهت گیری مزیت نسبی برخی از کشورهای تازه صنعتی شده جنوب شرق آسیا و مقایسه آن با ایران»، *پژوهشنامه اقتصادی*، شماره ۲۳، ۱۳۸۵، ص ۲۷۵.

۲۴- حسن ولی بیگی، «سیاست های تشویقی توسعه صادرات صنایع با فناوری بالا در کشورهای منتخب کره جنوبی، مالزی، تایوان، تایلند»، *بررسی های بازرگانی*، شماره ۳۷، مهر و آبان ۱۳۸۸، ص ۱۸.

۲۵- همان.

۲۶- همان، ص ۱۹.

۲۷- همان.

۲۸- همان، ص ۲۰.

۲۹- حسن درگاهی، *استراتژی توسعه صنعتی کشور: نقش دولت در فرایند توسعه صنعتی*، جلد دوم (تهران: دانشگاه صنعتی شریف- دانشکده مدیریت و اقتصاد، ۱۳۸۴)، صص ۵۹-۵۸.

۳۰- همان، ص ۶۰.

۳۱- همان، ص ۶۷.

۳۲- همان، صص ۷۱-۷۰.

۳۳- همان، صص ۶۴-۶۵

۳۴- همان، ص ۷۴.